



دانشگاه آزاد اسلامی و آمد پابهار

نمونه سؤالات تاریخ تحلیلی اسلام

۱- کدامیک از تعاریف تاریخ را ترجیح می دهید، چرا؟

با در نظر گرفتن عناصر اصلی تاریخ یعنی انسان، از یک سو و زمان و مکان از سوی دیگر، می توان گفت: تاریخ مجموعه ای از اطلاعات درباره تاثیر و تاثیر انسان است و به طور دیگر، اموری چون هدایت، گمراهی، سازندگی، ویرانگری، رفتارهای عادلانه و ستمگرانه اش را شامل می شود. شهید مطهری تاریخ را یکی از منابع معرفت انسانی دانسته و آن را به دویخ نقلی (علم به وقایع و حوادث سپری شده و آگاهی از اوضاع و احوال گذشتگان) و علمی (مطالعه و بررسی و تحلیل وقایع گذشته و استنباط قواعد و سنت های حاکم بر زندگی گذشتگان) تقسیم می کند. زیرا تعریفی قابل قبول است که جامع (کامل) و مانع (مانع دخول اغیار) باشد.

۲- آیا تاریخ از اعتبار علمی برخوردار است، چرا؟

بله. به دلیل اینکه وجود تاریخ، به عنوان مجموعه ای از معارف برخوردار از روش موضوع و نظم و انسجام غیر قابل تردید است؛ بیشتر محققان، نگاهی به شناسنامه تمدن های واقع بینانه نمی دانند، زیرا اولاً ماهیت برخی از وقایع به گونه ای است که امکان تحریف و دروغ در آنها راه ندارد؛ و ثانیاً نمی شود همه افراد بشر را به سود جویی و دروغ پردازی در ثبت و نقل وقایع متهم کرد. افزون بر این، محقق می تواند با توجه به شاخص هایی که برای مطالعه تاریخ وجود دارد درستی یا نادرستی بسیاری از نقل ها و تحلیل ها را دریابد. اما از آنجا که اثبات دانش (science) بودن تاریخ به آسانی میسر نیست، گروهی به تاریخ و داده های آن بدبین و بی اعتمادند.

۳- محور های اصلی فلسفه تاریخ از منظر قرآن چیست؟

این حقیقت که صحنه تاریخ، چون دیگر صحنه های جهان بوسیله قوانین و سنن حاکم بر آنها آباد و سرسبز است، در قرآن کریم به روشنی بیان شده است و این اندیشه قرآنی، در پاره ای از آیات به صورت تئوری کلی آمده است. در برخی آیات در قالب مصادیق و نمونه ها و در برخی به صورت تئوری و آمیخته با مصداق خارجی بیان شده است مانند: آیاتی که از مرگ و زندگی جوامع، فراگیر بودن کیفر این جهان و نابودی جامعه ها و امتهای بر اثر طرد پیامبران پرده بر می دارد، طرز تفکر کلی یعنی نظریه قانون مندی را مطرح می کند. فراز هایی از آیات که درباره سنت های ملل پیشین و استسنا پذیرای آن، پیوند زیر بناها و در بناها ارتباط اجرای اوامر الهی و فراوانی برکات و تولید سخن می گوید، سنت های تاریخ را در قالب مصداق بیان می کند.

دسته ای دیگر از آیات، به منظور بیدار سازی و تربیت انسان، علیه نظریه تصادفی دانستن وقایع تاریخی و نیز قضا و قدری بودن آن موضوع می گیرد و انسان را تشویق می کند تا با گردش در جهان و مطالعه

سرگذشت ملت ها راز سعادت و انحطاط را کشف و ساز و کار حرکت به سوی آینده را خردمندانانه تدبیر و تنظیم کند.

۴- آیا حکم فرمایی سنت های الهی به معنای جبر تاریخی است؟ چرا؟

خیر، زیرا دسته ای از آیات به منظور بیدارسازی و تربیت انسان ، علیه نظریه تصادفی دانستن وقایع تاریخی و نیز قضا و قدری بودن آن موضوع می گیرد و انسان را تشویق می کند تا با گردش در جهان و مطالعه سرگذشت ملت ها راز سعادت و انحطاط را کشف و ساز و کار حرکت به سوی آینده را خردمندانانه تدبیر و تنظیم کنند. پس حکم فرمایی سنت های الهی به معنای جبر تاریخی نیست زیرا در غیر این صورت مطالعه و تحقیق برای کشف راز سعادت و انحطاط و تنظیم ساز و کار حرکت به سوی آینده کاری عبث و بیهوده بود.

۵- کدامیک از تئوری ها درباره عامل محرک تاریخ را ترجیح می دهید؟ چرا؟

شهید مطهری مجموعه ای از خصوصیات فردی انسان همچون خرد ورزی ، آموزش پذیری، کمال طلبی و استعدادهایی چون استعداد حفظ و انتقال تجارب ، استعداد ابداع و میل ذاتی به خلاقیت را نیروی پیش برنده انسان می داند. محمد تقی جعفری خدا ، انسان و آنچه برای انسان مفید است را اساسی ترین عوامل محرک و ایجاد کننده کیفیت های اولیه و ثانویه و هویت اصلی رویدادها می شمرد. محمد تقی مصباح اراده و اختیار انسان را از اجزای علت تامه حوادث و دگرگونی های اجتماعی می داند پس بر این اساس راز حرکت تاریخ در وجوه تمایز انسان با جانوران نهفته است. مجموعه ای از استعدادهای درونی انسان (گرایش های فطری حق جویی، کمال طلبی، اندیشه ورزی و اراده) و عوامل بیرونی(دین،نیاز های اجتماعی،اقتصادی و سیاسی) عامل شکل گیری فرهنگ ها و تمدن ها و حرکت به شمار می رود.

۶- آفات تاریخ نگاری اسلامی را چگونه ارزیابی می کنید؟

بررسی آفاتی که تاریخ اسلام با آن روبرو بوده است می تواند برای بسیاری از قفل های بسته و گزارش های پیچیده ، که از اعتبار تاریخ اسلام به شدت کاسته است، کلیدی مناسب به شمار آید و مهمترین علل تحریف تاریخ اسلام عبارتند از :

(۱) فاصله زمانی میان مورخ و پدیده ها که منشا برخی از تحریف ها و با توجه به شیوه نقل برخی از مورخان که هدفشان ثبت گزارش بوده و به درستی و نادرستی آن اهمیت نمی دادند احتمال تحقق این نوع تحریف بیشتر بوده است.

۲) اختلاف امت و پیدایش فرقه ها و در نتیجه انگیزه های غیر حق طلبانه برخی مورخان، تحریف واقعیات معاصر هر مورخ به نفع حزب و گروه خود و تفسیر و تطبیق رویدادها گذشته به سود جریان حاکم ، آفتی است که تاریخ با آن روبرو بوده است.

۳) تعصب ، عقاید مذهبی و گرایش های نژاد پرستانه مورخ چنان در نوشتن تاریخ تاثیر دارد که یافتن گزارش تاریخی تهی از تعصب دشوار می نماید.

۴) فشار فرمانروایان که ناشی از حب ذات در انسان هاست.

۵) سوء استفاده از دانشمندان اهل کتاب از کم اطلاعی خلفا و اطرافیان آن ها که گروهی از آن عالمان می کوشیدند با نقل افسانه ها و مطالب اساس آیین اسلام را بی اعتبار سازند.

۶) منبع تدوین حدیث توسط خلفا و سوزاندن یا نابود ساختن آن ها.

۷- آیا برای شرقیان رویکرد به غرب لازم است؟ چرا؟

بله. برای گسترش و مطالعه بهتر فرهنگ و دانش و معتقدات دیگران رویکرد به غرب لازم است زیرا شرقیان (ما) باید علم و دانش و سیاست را یاد بگیریم حتی از منافق و حتی از غریبان. و به نظر اول باید برای مطالعه بهتر فرهنگ و معتقدات دیگران باید زبان آن ها را آموخت و آنگاه در میان آنها نفوذ کرد.

۸- آثار مستشاران را چگونه ارزیابی می کنید؟

اینکه برخی از پژوهش های علمی و عظیم دانشمندان غربی درباره مشرق زمین ، بر پایه شناخت شرق به عنوان فرهنگ و جامعه ای دیگر و با هدف روشنگری انسان انجام گرفته انکار ناپذیر است اما گره خوردن پیدا و پنهان بسیاری از این تحقیقات با سیاست های غربیان تا آنجا پیش رفته که حتی برخی از شرق شناسان در شمار منتقدان جدی قرار گرفته اند. یکی از پژوهشگران می نویسد: اگر مستشرفی می گفت : ماست سفید است، همیشه جای این احتمال را در ذهن خود نگاه دارید که یا ماست اصلا سفید نیست، یا اثبات سفیدی ماست مقدمه ای است برای نفی سیاهی از ذغال . یکی از خاور شناسانی که تحقیقات بسیاری درباره تاریخ اسلام انجام داده و سخت مورد انتقاد قرار گرفته ((هنری لاسنس)) است و دانشمندان مسیحی اینگونه آثار را خلاف روحیه و روش علمی می داند. ((تاریخ اسلام دانشگاه کمبریج)) یکی از آثار جدید مستشرقان درباره تاریخ اسلام است که به عنوان دریافتی نوین و به هدف گسترش فهم و ادراک اسلام ارائه شده است. ادوارد سعید - پژوهشگر مسیحی فلسطینی درباره این اثر می نویسد: «... نه تنها این کتاب اسلام را به عنوان یک دین بسیار بد می فهماند عرضه می کند، بلکه هیچ ایده واحدی هم به منزله یک تاریخ از خود ندارد...»

۹- ضرورت تدریس تاریخ اسلام چیست؟

از آنجا که تاریخ درس عبرت و ملکه ذهنی انسان است و در زندگی آینده به کار می رود، پل ارتباطی است بین ما و نسل های گذشته ، رابطه علی بین حوادث را به ما نشان می دهد. تدریس آن ضرورت دارد. وقتی تاریخ را مطالعه می کنیم گویی در کنار گذشتگان زندگی می کنیم و چون ما مسلمانیم باید از گذشته نیاکان و دین اسلام و پیامبران آسمانی آگاه باشیم و در قرآن نیز شرح احوال پیامبران در گذشته شرح داده شده است. پس ما وظیفه داریم تاریخ اسلام را مطالعه و تدریس کنیم.

۱۰- ضمن شمارش برخی از نمود های جاهلیت عرب از نظر قرآنی و نهج البلاغه بنویسید که آیا جاهلیت حدود زمانی و مکانی خاصی دارد؟ چرا؟

خیر، زیرا جهل تنها به معنای نادانی نیست بلکه حماقت، سفاهت و بی خردی را نیز شامل می شود. بدین ترتیب جاهلیت دورانی است که زندگی مردم از ارزش های معقول، موازین فرهنگی و منطقی و باورهای حیرت زا و امیدوار کننده تهی می باشد. پس بعید است بتوان جاهلیت را نام زمان، مردم یا گروهی خاص دانست. برای شناخت جاهلیت مصادق هایی در قرآن و نهج البلاغه وجود دارد :

(۱) حکم و حکومت نا حق، رفتار خلاف قانون الهی و مبتنی بر هوی و هوس و روی گردانی از دستور های الهی.

(۲) بی توجهی به وعده و وعیدهای خداوند بدانندیشی درباره افعال الهی

(۳) بی پروایی زنان در جامعه و نمایاندن زیور و آرایش های زنانه.

(۴) پای فشردن برخواسته های نا بجا، تعصب درباره آگاهی های ناچیز و جانبداری بی دلیل از عقاید و اندیشه ها. پس در هر جامعه و هر زمانی این مصادیق مشاهده شد نشانه جاهلیت است.

۱۱- بعضی از مضامین جاهلیت فرهنگی عصر حاضر در مقوله زنان را با جاهلیت قبل از اسلام مقایسه کنید.

قبل از اسلام زن حق و حقوق نداشته یا از آن با خبر نبوده است. حجابی که در جامعه ایرانی بوده برای محفوظ کردن زن مثلا در مقابل پدر خود بوده است و هر چه از لحاظ طبقه ای بالا تر بودند با حجاب تر بودند. زن به عنوان شیء از آن دیگران به شمار می رفته است. اگر در انجام وظایفش کوتاهی می کرد، شوهرش او را به مرد دیگری می سپرد تا از خدماتش بهره گیرد و مرد می توانست آنچه می خواست با زن انجام دهد. و از حق فروش، قتل ، ضرب و شتم زن برخوردار بود. زن در پذیرش و عدم پذیرش شریک زندگی اختیاری نداشت، امنیت حقوقی و خانوادگی نداشت و مرد می توانست ده زن اختیار کند. رواج انواع زناشویی مانند ازدواج صدق و متعه شان زن را تا حد جانوران پایین می آورد و زن را ننگ می شمردند و

دختران را زنده به گور می کردند اما در عصر حاضر زن آگاهی و اختیار دارد، حق کار در بیرون از منزل را دارد، حجاب پوششی در مقابل نامحرم است. در پذیرش و عدم پذیرش شریک زندگی اختیار دارد. زن از منزلت والایی برخوردار است ولی در بعضی جاها هم سلب حقوق زن نیز وجود دارد.

۱۲- وضعیت حقوق زنان و نظام خانواده در سه جامعه ایران دوره ساسانی، امپراطوری روم و جزیره العرب را مقایسه و ارزیابی کنید.

در خانواده ایرانی دوره ساسانی، مرد ریاست مطلق داشت، از نظر تعداد همسر محدودیتی نداشت. ازدواج با محارم رواج داشت. زن از شخصیت حقوقی بی بهره بود و به عنوان شیء از آن دیگران به حساب می آمد. پدر می توانست کودکانش را از خود براند یا به دیگران بفروشد. شوهر می توانست همسرش را که در انجام وظایفش کوتاهی کرده به مرد دیگری بسپارد تا از خدماتش بهره گیرد. در روم نیز مانند ایران زنان از حقوق بهره ای نداشتند و ازدواج با محارم اشکالی نداشته است. مردم به چهار طبقه اشراف، شوالیه، بردگان و طبقه متوسط تقسیم می شوند و هر کس در هر درجه از شایستگی یا بی لیاقتی از مزایای مخصوص طبقه خود بهره مند می شد. در جزیره العرب وضع بدتر بود. مرد از حق فروش، قتل، ضرب و شتم زن برخوردار بود و سرنوشت او مقهور اراده مرد بود. زن در پذیرش و عدم پذیرش شریک زندگی اختیاری نداشت، امنیت حقوقی و خانوادگی نداشت و مرد می توانست ده زن اختیار کند. زن را ننگ می شمردند و دختران را زنده به گور می کردند و ازدواج زناشویی ها مانند اماء، مبادل و استبضاع نظام خانواده را متزلزل و شان زن را در حد جانوران پایین می آورد.

۱۳- موقعیت دین و مذهب را در سه جامعه یاد شده بیان نمایید.

هنگام ظهور اسلام، ادیانی مانند زرتشتی، یهودی، مسیحی، مانوی، صائبی و مزدکی در ایران رواج داشت. دین رسمی، که از سوی شاهان ساسانی مورد حمایت قرار می گرفت، آیین زرتشت بود. ویژگی اصلی و بدون تردید این دین در زمان ساسانیان اعتقاد به یک ثنویت جهانی (اهورا مزدا و اهریمن) بود. خورشید، ماه، ستارگان، آتش، باد، کوهها و ارواح مقدس را در گذشته می پرستیدند و اینکه آفتاب در تعلیمات زرتشت موجودی مقدس بود. فرزند اهورا مزدا شناخته می شد و مقام یافته بود و مورد پرستش قرار گرفت. در امپراتوری روم شرقی، مسیحیت دین رسمی بود. قسطنطین به سبب رویایی فرمان مسیحیت را اعلام کرد و از آن پس مشکلات داخلی مسیحیت به وجود آمد. روح القدس وارد مسیحیت شد، تثلیث به رسمیت شناخته شد و افکار واقعی مسیح نابود شد. دین گریزی از آن به بعد استوار شد. شکل دین در بسیاری از ابعاد تغییر کرد. مردم حق مراجعه مستقیم به انجیل را از دست دادند و در بسیاری از کارها به کشیش نیازمند شدند.

در جزیرهٔ العرب عنصر واقعی دین قبایل عرب جاهلی شرک و بت پرستی و به تعبیری آمیزه ای از تعدد خدایان و طبیعت پرستی بود. اعتقاد به جن ارواح، پرستش ماه و ستارگان وجود داشت. مسیحیت و دین یهود در نقاطی مانند نجران و یثرب گسترش داشت و در مناطقی مانند حیره کیش زرتشتی مورد توجه بود.

۱۴- نقطه یا نقاط مشترک انحراف و انحطاط در دو امپراطوری روم و ایران را برشمارید؟

انحراف در همه بخش ها وجود داشته است، شاهان خود را خدا می دانستند. تراکم رو به انفجار تضاد های طبقاتی، تمرکز قدرت و ثروت، انحراف های اخلاقی، فحشای سراسری باعث انحراف و انحطاط دو امپراطوری روم و ایران شد.

۱۵- عصبیت موجود در ارتباط با احزاب در سطح جهان را با عصبیت قبیله ای مقایسه کنید.

در قبیله های عرب سه رکن وجود داشته : نسب، حسب و عصب که بر اساس نسب و حسب، تمام افراد باید از شناسنامه و فضایل و مفاخر قبیله آگاه باشند و بر اساس عصب و عرق قبیله ای همه در ساختار قبیله محو بودند، به گونه ای که همه پیوند ها و روابط برای حفظ وحدت دم و وحدت لحم قبیله قربانی می شد. این عصبیت برای اعضای قبیله محدودیت و برای رهبر آنها نوعی استبداد مطلق پدید می آورد. این عصبیت باعث جنگ خونین قبیله ای می شد و یا جنگ بین عرب و غیر عرب راه می افتاد. در حال حاضر نیز تعصب و نزاد پرستی در بین اقوام سفید پوست یا سیاه پوست وجود دارد.

۱۶- علل و انگیزه پیمان حلف الفضول را بنویسید.

دوران جوانی زمان شکوفایی غرایز و انحراف ها و آلودگی های انسان ها است. به ویژه در فضای تیره جامعه حجاز که حتی کهنسالان در آلودگی به سر می برند و پرچم سیاه به علامت جاهلیت بر فراز برخی از خانه ها نصب شده بود، در این موقع محمد (ص) هرگز تحت تاثیر قرار نگرفت و چنان درستی و صداقت شهره شد که او را امین خواندند. در سن ۲۰ سالگی، با شرکت در پیمان جوانمردی و نیکو کاری (حلف الفضول) به دادخواهی ستمدیدگان برخاست و تصمیم به یاری و کمک آن ها گرفت.

۱۷- کارنامه اسلام در ۱۳ سال مکه را تحلیل کنید.

پیامبر در سن ۴۰ سالگی رهبری بشریت را به عهده گرفت و سه عنصر علم، دین و انسان را پایه بنیادین تمدن آرمانی خود قرار داد به علت جو نا مناسب پیامبر تبلیغ و دعوت خود را پنهانی آغاز کرد که سه سال به طول انجامید زیرا مردم هنوز آمادگی نداشتند و فشار بر روی پیامبر زیاد بود و آنها نمی خواستند جانشان به خطر بیافتد. و فقط خود پیامبر، خدیجه و حضرت علی و چند نفر دیگر

بودند. بعد از اتمام سه سال دعوت پنهانی مرحله دوم آغاز شد و دعوت آشکار خود را از خویشاوندان شروع نمود. پیامبر آنها را دعوت به شام کرد ، سپس فرمودند : برای مردم به ایمان به خدا چه کسی مرا یاری می کند؟ و هر سه بار فقط علی (ع) پاسخ داد. سپس پیامبر فرمودند علی وصی و جانشین من در میان شماست و این نوعی اتمام حجت بود. در مرحله سوم پیامبر را زیر کوه صفا جمع می کند و دعوت عمومی به پرستش خدا و سرزنش بت پرستی و رستگاری را آغاز کرد و گروهی اسلام آوردند. اما بعد مشرکان به مخالفت با اسلام پرداختند و یهودیان و منافقان نیز با پیامبر مخالفت کردند. این کار بزرگ و امر خطیر، همت و تلاش زیادی می طلبد که پیامبر در آن راه ثابت قدم بود و برای رسیدن به اهداف خود زود ناامید نمی شد و مقطع مقطع پیش می رفت تا به موفقیت دست یافت.

۱۸- چرا محاصره در شعب ابو طالب بر محاصره در داخل مکه ترجیح داشت؟ توضیح دهید.

زیرا در مکه سران قریش پیمان بسته بودند که باید هر گونه خرید و فروش با هواداران محمد (ص) متوقف سازند و هر گونه ارتباط، معاشرت و پیوند زناشویی با مسلمانان ممنوع شود و همچنین جبهه مخالفت محمد (ص) در تمام حوادث و پیش آمد ها باید مورد حمایت قرار گیرد. در مکه تحریم اقتصادی و سختی های زیادی وجود داشت و آن ها می خواستند مسلمانان را بیازارند و فشار های روحی و روانی زیاد بود به دلیل اینکه در شهر بود اما شعب ابی طالب یک دوره بود و مسلمانان در کنار یکدیگر بودند. پیامبر و خدیجه و علی در کنار مسلمانان بودند که باعث تقویت روحیه می شوند و از صدمات روحی و روانی مصون بودند و در دره ای با مشکلات زیاد از جمله گرسنگی ، تشنگی ، سرما و گرما مسلمانان واقعی مشخص می شوند.

۱۹- دلایل دشمنی یهود با پیامبر اسلام را توضیح دهید.

در سرزمین اسلام قبیله هایی از قوم یهود زندگی می کردند که خود را فرزندان اسحاق و اسرائیل و برتر از اعراب می دانستند. از آنجا که روح حاکم بر کیش یهود ، نژاد و قومیت سایه گسترده بود ، بدین سبب به مخالفت جدی با پیامبر (ص) برخاستند و به علت روحیه قوم گرایی و نژاد پرستی نتوانستند در برابر گسترش اسلام آرام گیرند و به بهانه های مختلف پیمان عدم تعرض و توطئه را نقض کردند. همچنین آنها جزء ثروتمندان بودند ولی پیامبر ساده می زیست و این نیز دلیلی برای مخالفت آنها بود.

۲۰- مراحل مختلف مبارزه با نهضت پیامبر خاتم را بررسی کنید.

پیامبر و یارانش ۱۳ سال در مکه مورد شکنجه و آزار قرار گرفتند و ناگزیر به مدینه هجرت کردند. مشرکان و کفار نیز آنها را می آزردهند، دارایی آنها را مصادره می کردند و آنها را از هجرت باز می داشتند. و

حتی به پیامبر اخطار کردند که در انتظار حمله قریش باشد. خداوند نیز چنین وحی کرد: آنان که در مورد هجوم و تجاوز واقع شده اند می توانند به جنگ و دفاع بپردازند.

خداوند نیز آنها را یاری میکند. بنابر این در سال دوم هجرت، برای حفظ اسلام و دفاع از حقوق حیاتی مسلمانان و خنثی کردن نقشه های قریش پیامبر دست به اقدام زد. مسلمانان در بدر با لشکریان قریش روبرو شدند و با آنکه نیرویی کمتر از یک سوم کفار داشتند به پیروزی رسیدند. قریش برای شکست بدر، در سال سوم هجرت رهسپار مدینه شد و در احد با لشکر اسلام روبرو شد. در این جنگ به دلیل سرپیچی برخی از مسلمانان از فرمان پیامبر پیروزی مومنان به ناکامی تبدیل شد. به تحریک گروهی از یهودیان بنی نضیر، مشرکان مکه به یاری گروه های مختلف، با لشکر انبوهی در سال ۵ به مدینه حرکت کردند. مسلمانان برای حفظ مرکز اسلام پیرامون شهر خندق کتند و در برابر ده هزار دشمن صف بستند. حضرت علی سردار مشرکان را از پای در آورد و جنگ خندق

به سود مسلمانان پایان پذیرفت. قبیله بنی قریظه با نادیده گرفتن پیمان صلح در جنگ خندق به یاری قریش شتافت و در موارد بسیار به تحریک مسلمانان پرداخت و به اقدام هایی خطرناک دست زد. سرانجام پیامبر در سال ۵ هجرت برای نابود ساختن این کانون توطئه وارد بدر شد و آنها را به تسلیم وا داشت. بنی المصطلق گروهی از قبیله خزاعه بودند که علیه مسلمانان توطئه می کردند. پیامبر (ص) از نقشه آن ها آگاهی یافت و در سال ششم هجرت با لشگری در پیکاری سخت بر این گروه چیره شد. یهودیان ساکن قلعه خیبر روابط نظامی و اقتصادی با مشرکان داشتند و امنیت مسلمانان از سوی آنها به شدت تهدید می شد. و در سال هفتم هجری مسلمانان به سوی خیبر که ستاد مرکزی دشمن بود، حرکت کرده و پس از محاصره و جنگ یهودیان را به تسلیم واداشت. با کشته شدن حارث بن عمید، نامه رسان پیامبر (ص) دشمنی شدید رومیان آشکار شد. لشکر اسلام در سال هشتم هجرت در موکه با سپاه روم که از ۱۰۰ هزار جنگجو تشکیل شده بود برخورد کرد و با از دست دادن سردارانی توان مقاومت را از دست داد و به مدینه بازگشت.

۲۱- دلایل پذیرش اسلام از سوی مردم مدینه را تحلیل کنید.

پیامبر اکرم (ص) در مسجد الحرام یا چند تن از بزرگان قبیله خزرج دیدار کرد و آنان را به اسلام فراخواند. یثربیان به دلیل معاشرت با یهودیان و شنیدن سخن آنان درباره بعثت پیامبرو آیین یکتا پرستی جهانی وی، ذهنیتی آماده داشتند. اختلافات ریشه دار و آرا مششان آنان با طایفه اوس و آموزه های فطری و دلنشین پیامبر سبب شد با جان و دل از سخنان رسول حق استقبال کنند و پیمان ببندند که به خدا شرک نوزند، دزدی و زنا نکنند و تهمت نزنند. خزرجیان از حضرت رسول تقاضا کردند برای تبلیغ اسلام و تعلیم قرآن مبلغی به یثرب اعزام دارد. حضرت رسول مصعب بن عمید را همراه آنان فرستاد و آنها به طور کامل از طلوع خورشید اسلام با خبر شدند و پس از آنکه بوسیله آیه های قرآن از اهداف رسالت پیامبر آگاه شدند او را حمایت کردند.

۲۲- بیشترین دشمنان و مخالفان دعوت پیامبر اسلام از چه طبقه ای بودند؟ چرا؟

مشرکان بودند زیرا جبهه باطل بزودی دریافت که یثرب پناهگاه مناسبی برای مسلمانان شده است. احتمال هجرت پیامبر بدان دیار و دعوت آزادانه به یکتا پرستی زنگ خطری بود که وفاداران بت ها را سخت بیمناک کرد. دنیا طلب ها، مستکبران، پیروان کورکورانه از نیاکان، بت پرستان و آنانکه انسانیت انسان را پاس نمی دانستند و منافقین و یهودیان در مقابل پیامبر ایستادند.

۲۳- به نظر شما علت عدم پذیرش اسلام از سوی مشرکان چه بود؟

نامانوس بودن توحید، بشر بودن پیامبر (ص)، حسد ورزیدن به موقعیت ارزشی اسلام، روی آوردن مستضعفان به پیامبر (ص)، اعتقاد به جبر، هراس از فروپاشی نظام قبیله ای، درخواست های نابجا و ناممکن، اطلاعات کورکورانه از نیاکان و دل دادگی به دنیا. برنده ترین سلاح محمد (ص) در دعوت پیامی بود که در قالب قرآن ارائه می شد. آیات قرآن از بنیاد های آفرینش وحدت آفریدگار، غایت مندی هستی و ضرورت کمال انسان در پهنه زمین سخن می گفت و بهسازی مناسبات فکری، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را بستر کمال معرفی می کرد. این عوامل سبب تسخیر دل ها بود و مشرکان مکه را به واکنش وا می داشت.

۲۴- به نظر شما سبب اصلی گسترش اسلام چه بوده است؟

اساسی ترین اقدام در جهت گسترش اسلام و تثبیت حکومت، هجرت از مکه به مدینه که با پشتوانه آیات نورانی قرآن به عنوان تکلیف شرعی مورد تایید قرار گرفت و از آن پس مهمترین آموزه ها در جهت قوت بخشیدن به عقیده مشترک نسبت به یکتای بی همتا و توحید ارائه شد و خداوند به عنوان مسئول اعمال این ولایت و حاکمیت الهی معرفی شد. بدین ترتیب اساسی ترین اصل برای ایجاد وحدت و تشکل امت اسلامی که مبنای سیاسی و اجتماعی آن در دل، آثار عبادی و تعبیدی آن ریشه داشت شکل گرفت. بر سراینده اندیشه سیاسی اش پرتو لا اله الا الله تجلی داشت و در تمام رفتار سیاسی اش کار کرد این اندیشه یعنی فلاح و رستگاری همه انسان ها هدف بود.

۲۵- آیا طرح صحیح و دور از تعصب، حقیقت مساله جانشینی پیامبر در راستای هدف استعمار است؟

خیر. زیرا سیره پیامبر چنان بود که در سفره های کوتاه مدت یا چند روزه، برای خود جانشین تعیین می کرد پس چگونه ممکن است در سفره های طولانی و بدون بازگشت-مرگ- امت را بدون راهنما و رهبر رها سازد؟ آیا نادیده گرفتن این امر از سوی پیامبر خاتم کوتاهی در انجام رسالت شمرده نمی شود؟ و پیامبر با توجه به ۱- دلایل و فلسفه بعثت پیامبران، مانند قانون ثابت و ضروری هدایت عمومی ۲- نیاز جامعه به

زاممدار ۳- لزوم ارتباط بین عالم ربوبی و عالم انسانی ۴- تفسیر و بیان اصول کلی این و آیات قرآن ۵- تاکید های قرآن بر نقش جانشین پیامبر(ص) در تکمیل دین و اتمام نعمت، برای خود جانشین تعیین کرد.

۲۶- در چند سطر نظرتان را درباره اسباب و عللی که سر انجام موجب بسط جدایی امت در بعد از رحلت پیامبر شد، بنویسید؟

با توجه به زمینه هایی که از زمان حیات پیامبر(ص) بروز کرده بود و افرادی به دلایل مختلف، ادعای نبوت کرده ، در مسیر فریفتن برخی از قبایل موفقیت هایی نیز بدست آورده بودند، بحران شکننده بعد از رحلت رسول اکرم(ص) مجال تازه های را در دو جهت فراهم آورد. نخست آنکه هر کدام از این افراد زمان را مناسب یافتند و با ادعای نبوت طبل مخالفت و بی دینی کوفتند و از سوی دیگر این امر سبب شد عده های از مسلمانان سست ایمان نسبت به اصل دین دچار تردید شوند. ضمیمه شدن مساله پرداخت زکات که در موقعیت جدید معنای دیگری پیدا می کرد ، آهنگ نارضایتی و نافرمانی را تشدید کرد.

۲۷- دلایل اصرار پیامبر به اعزام سپاه اسامه را با دلیل بر این امر مقایسه کنید.

در زمان پیامبر با آنکه مسائلی چون ظهور مدعیان دروغین پیامبری برای اتحاد دینی مسلمانان خطری جدی به شمار می آمد خطر رومیان جدی تر بود و با اینکه پیامبر در بستر بیماری به سر می برد به ۱ سامه فرمود: به پیروزی بیندیش و فرمانی که دارم را اجرا کن. ولی پافشاری ابوبکر بر گسیل سپاه اسامه به مرز های روم به خاطر این بود که در زمان پیامبر در حرکت سپاه اسامه به خاطر کارشکنی های افراد کوتاهی شده بود، اما خطر دشمنان خارجی چیزی نبود که بتوان آن را نادیده انگاشت. افزون بر این اعزام سپاه اسامه نوعی اجرای فرمان پیامبر به شمار می آمد، سران مهاجر و انصار و افراد ناراضی را از مرکز خلافت دور می کرد و قدرت حکومت را به مخالفان می نمایاند.

۲۸- انگیزه ها و پیامد های فتوحات خلفا را به اختصار بنویسید.

به طور کلی عملکرد خلفا در راه اندازی جنگ های داخلی و خارجی از دو جهت اهمیت دارد. اول ضرورت این نبرد ها و آثار داخلی آن و دوم علل و اسباب داخلی و خارجی فتوحات در بررسی علل و اسباب این پیروزی ها بیش تر محققان تاریخ بر آنند که هنگام طلوع اسلام نظام بین الملل به دلیل بسیار روشن از نا بسامانی و نارضایتی فرو رفته بود، برخی معتقدند این فتوحات آشکارا ارزش مکتب فکری و تربیتی اسلام می کاست، زیرا قرآن کریم به روشنی بیان می کند که هدف بعثت پیامبران و حکومت آنان، گسترش عدالت اجتماعی و تربیت معنوی مردم است نه تاسیس امپراتوری قیصری و کسرای، استعمار، برده گیری عمومی و بدست آوردن غنیمت های بی کران جنگی ، مردمی که برای نفوذ اسلام به اعماق روحشان و تربیت صحیح و یافتن شخصیت انسانی اسلامی آماده می نمودند، هنوز بسم الله نیاموخته بودند که در گرداب جنگ ها فرو

افتادند و معنویت اندکی را که تازه در پناه دین اندوخته بودند به طوفان کامجویی ها و خوش گذرانی ها سپردند. در این دوره همگام با گشودن دروازه های اسلام به روی انبوه مردم کشور های مغلوب ، فرهنگ اسلامی به آنها آموزش داده نشد. بدین ترتیب قدرت و نفوذ حکومت مرکزی بسیار گسترش یافت و سربازان اسلام فزونی یافت، ولی از مسلمانان مومن و پرهیزگار چندان خبری نبود. یکی از مشکلات و زیان های تازه اسلام آوردگان بودند که اینان مورد سوء استفاده اشخاص مغرض قرار گرفتند و به نام اسلام و قرآن به جنگ قرآن ناطق گسیل شدند. مساله کشور گشایی تا آنجا پیش رفت که حکومت اسلامی به امپراطورهایی چون ایران و روم تبدیل شد و بسیاری از صحابه در سایه مقام و ثروت به فساد گراییدند. جنگ های صفین و نهروان ملد این پدیده است.

۲۹- وجود اتراق به خلافت رسیدن سه خلیفه اول مسلمانان را توضیح دهید.

پس از رحلت رسول خدا (ص) انصار با سعد بن عباده در سقیفه بنی ساعده اجتماع کردند و پیشنهاد شد یک امیر از انصار و یک امیر از قریش انتخاب شود ولی عمر پاسخ داد: دو شمشیر در یک غلاف جای نخواهد گرفت و آنگاه دست ابوبکر را گرفته با او بیعت کرد و سپس انصار با او بیعت کردند و بعدها خود عمر اعتراف کرد که آن انتخاب با م مومنان نبود. ابو بکر در بستر بیماری به عثمان که در تمام دوره بیماری ملازم او بود ماموریت داد تا از سوی او عهدنامه جانشینی بنویسد. او عهدنامه جانشینی را به نام عمر نوشت و ابوبکر آن را تایید کرد و عهدنامه را همراه عمر و یکی از غلامانش به مسجد فرستاد. شخصی در راه از عمر پرسید: در این نامه چیست؟ عمر گفت: نمی دانم ولی من اولین کسی هستم که از آن اطاعت می کنم. آن شخص گفت: نخست تو او را به خلافت گماردی و اکنون او تو را به خلافت می گمارد. عمر برای انتخاب جانشین جزئی ترین احتمالات ممکن را در نظر گرفت و راه حل ارائه داد. شورایی را انتخاب کرد تا در خانه ای گرد آیند و پنجاه نظامی انصار از آنان مراقبت کنند تا این گروه یکی از میان خود برگزنند. اگر دو نفر با رای ۴ نفر مخالفت می کردند، باید کشته می شدند. اگر سه نفر یک رای و سه تن رای دیگر داشتند باید به داوری داوری عبداللہبن عمر راضی میشدند. وگرنه رای گروهی که عبد الرحما در میان آنان بود مقدم می شد و سه تن دیگر در صورت مخالفت به قتل می رسیدند. گفت وگوها آغاز شد و جانشین باید به کتاب خدا و سنت پیامبر و روش شیخین عمل می کرد حضرت علی نپذیرفت که به روش شیخین عمل کند ولی عثمان پذیرفت . بعد از برگزیدن عبدالرحمان سایر اعضاء شورا موافقت خود را اعلام کردند هر چند امام علی (ع) در آغاز با عثمان بیعت نکرد، ولی تدبیر خلیفه دوم بر لزوم قتل مخالف ، وی را ناگزیر به بیعت ساخت.

۳۰- نقش مردم در فعلیت بخشیدن به ولایت سیاسی امام علی(ع) را در چند سطر تبیین کنید.

پس از بی نتیجه ماندن نقش میانجی گرایانه امام علی(ع) و برخی از اصحاب در جریان شورش علیه خلیفه سوم، آنگاه که خلیفه به قتل رسید و خشم عمومی فرو نشست، مردم دریافتند حوزه مسلمانی بی سرپرست مانده است، رفت و آمد و گفتگوها آغاز شد با آنکه گروهی از صحابه اعضای شورای عمر، به ویژه

طلعه که مورد حمایت عایشه نیز بود، مدعی خلافت بودند، اما معترضان یعنی همه زندگان اصحاب بدر، بسیاری از صحابه، فاریان کوفه، انصار و... به خانه امام علی هجوم آورده، از امام که تا کنون در پاسخ تقاضای مکرر می فرمود: «دعونی والتمسوا غیری» خواستند خلافت را بپذیرد و بر این امر پای فشردند.

۳۱- برخی از همکاری های امام علی (ع) با خلفای سه گانه را بیان کنید.

آنچه حضرت علی (ع) را به مدارا با نظام حاکم واداشت مساله گسترش ارتداد و خطر روز افزون مدعیان دروغین نبوت در جزیره العرب بود. در جریان تعیین عثمان به عنوان خلیفه، از سوی شورای شش نفره فرمود: نیک می دانید کهمناز همه برای خلافت شایسته ترم. به خدا سوگند، تا وقتی کار مسلمانان به گونه ای مناسب جریان دارد، مرزهای آنان ایمن است و تنها بر من ستم می شود، مخالفتی ندارم هد چند آن حضرت از ابوبکر و عمر کناره گرفت ولی چنانکه از هر رهبر منطقی و متین گروه مخالف انتظار می رو. هرگز ازارئه همکاریدر برقراری روابط همگون، تصحیح اشتباهات دولت، انتقاد از سیاست های نادرست و نا بجا و تایید و تاکید بر تدابیر درست دریغ نورزید و هرگاه دستگاه خلافتدر مسایل سیاسی و مشکلات اجتماعی با بن بست رو به رو می شد. امام مشاوره ای مورد اعتماد بود که با واقع بینی خاص مشکلات را از ره بر می داشت و مسیر کار را معین میکرد.

۳۲- دلیل عمده بروز جگ جمل و نهروان را توضیح دهید.

موضوع سر سخت امام علی (ع) در حکومت و کوشش در جهت اجرای کامل عدالت در همه ابعاد، سبب ناخشنودی و مخالفت بسیاری از مسئولان حکومت های پیشین و حتی برخی از یارانش شد. کنار نهادن شیخین در تقسیم بیت المال که مردم سال ها با آن خو گرفته بودند، اساس قرار دادن مساوات در حقوق و رعایت استحقاق ها برتری ندادن اشراف و عرب بر دیگران و عدم تسامح در برابر سران قبایل باعث شد تا در مکه افراد سرشناس و سرمایه داران، سیاسیون بر کنار شده، ریاست طلب های نالایق، مجرمان و ناراضیان از عدالت گرد آمدند و به تجهیز سپاه - جنگ جمل - علیه امام علی پرداختند. فتنه خوارج (مارقین) نیز از ضعف فکری این گروه از مسلمانان و نا آگاهی آنان از سنت پیامبر و حقیقت قرآن سرچشمه می گرفت. در گیری های غیر ضروری خلفا و برنامه نداشتن آنان برای تبلیغ و تبیین صحیح دین و در نتیجه شکوفا نشدن استعداد عقلانی و منطقی مسلمانان سبب شده بود که عقاید دینی گروه هایی از مسلمانان، با جهالت و تعصب خشک بیامیزد و براحته ایزار دست سودجویان شوند.

۳۳- دلیل و شرایط عمده سکوت امام علی (ع) را تشریح کنید.

بعد از رحلت پیامبر ابوبکر و عمر با آگاهی کامل از حقانیت علی (ع) و احترام خاصی که او در میان گروهی از اصحاب داشت در حالی که از واکنش جدی علی و پیروانش بیمناک بودند آنان را به بیعت در

مسجد فراخوانند ولی آنها سر باز زدند. گروه مسلح، خانه علی را محاصره کردند و تهدید کردند که اگر علی و هوادارانش از خانه خارج نشوند و با خلیفه بیعت نکنند، آن را به آتش خواهند کشید. علی تن به سازش نداد و تا هنگامی که اساس دین را در معرض خطر ندیدند، بر این موضع خویش استوار ماند. چون احتمال پایمال شدن رنج های رسول خدا(ص) جدی شد، علی و پیروانش ناگزیر با خلیفه مصالحه کردند. اگر مصالحه با موفقیت موجود نامید شدن این واقعیت ممکن باشد، می توان گفت: آنچه علی را به مدارا با نظام حاکم واداشت مساله گسترش ارتداد و خطر روز افزون مدعیان دروغین نبوت در جزیره العرب بود.

۳۴- آیا نرزش امام حسن و امام حسین (ع) نشان دهنده اختلاف روحیه آن دو بزرگوار است؟ چرا؟

خیر. هر دو امام افرادی بسیار دلیر بودند و در راه پیشرفت اسلام از هیچگونه جانبازی دریغ می کردند. اما در زمان امام حسن(ع) اوضاع نامساعد، خطر رومیان و فقدان جبهه نیرومند و هماهنگ و دارای روحیه جنگ را بسیار نا موفق حیران ناپذیر می نمایاند و صلح به عنوان یک مساله ضروری بر امام حسن تحمیل شد. در حالیکه امام حسین(ع) دارای سپاهی فداکار و دارای هدف های بزرگ بود ولی در ماجرای امام حسن سپاه وی عامل اصلی نومیدی حضرت از پیروزی نظامی بود. امام حسن با دشمنی همچون معاویه که سیاست باز تیزبین، متظاهر و فرصت طلب بود روبرو بود و جنگ با او به نابودی همه شیعیان و آخرین سربازی کههدل به اسلام اصیل سپرده بود می انجامید. معاویه در اجرای نقشه ها و تصفیه حساب های قدیمی و تاریخی استعدادی عجیب داشت در حالیکه دشمن امام حسین(ع) چنین نبود، او به هیچ وجه از عهده حل مشکلات، مهار امواج مخالفت و به کار بستن نقشه های وسیع بر نمی آمد و امام حسین هم از لغزش های او برای دست یابی به هدفش بهره می گرفت.

۳۵- به نظر شما آیا امام حسین(ع) با علم به کشته شدن مدینه را ترک کرد؟ چرا؟

بله. امام حسین به صورت کلی از شهادت خبر داشت ولی جزئیات زمانی و مکانی آن را نمی دانست. با این فرض می توان نوعی هدف سیاسی مشخص را تا قبل از رسیدن به کربلا و تطبیق آن اخبار کلی بر حادثه ای که در شرف انجام است در نظر گرفت، این هدف می تواند تشکیل حکومت دینی می باشد.

۳۶- به نظر شما آیا سلطه بر اندیشه افراد و جوامع، چون تسلط بر مال و نفس آنان از معیارها و انگیزه های جنگ و جهاد به شمار می آید؟ چرا؟

خیر. هر چند در قرآن و دیگر منابع اسلامی جنگ و صلح هر دو دیده می شود. اما اسلام نه صلح و نه جنگ را اصلی همیشگی نمی داند. زیرا بنای تفکر اسلامی که بر باز شناسی شخصیت انسانی انسان و گرامی شمردن تکامل، آزادی و اختیار وی استوار است، نشان می دهد که صلح، اهل اولی و قانون ثابت در اسلام است، به طوری که ورود به جنگ و درگیری، حتی در زمان معصوم(ع) خلاف قاعده است و بر اساس ضرورت

تحقق می یابد. تاکید اسلام بر جهاد دفاعی و مشروط ساختن جهاد ابتدای و حتی آزادیبخش به موقعیت و شروطی خاص، تاییدی بر اصل نبودن جنگ در اسلام است. وقتی می توان با صلح، مسالمت آمیز، اندیشه، اندرز و منطق به هدف والای رستگاری آدمیان دست یافت. هیچ خرئمندی حتی از نفس افتادن یک انسان را درست نمی شمارد.

۳۷- واقعه حره چه بود و چرا امام سجاد(ع) با انقلابیان همکاری نکرد؟

در دوران امامت حضرت سجاد(ع) سردمداران حکومت آشکار و بی هیچ پرده پوشی به مقدسات اسلامی دهن کجی می کردند. حکومت اسلامی دست خوش انحراف گشته، به حکومتی خودکامه تبدیل شده بود و کارگران حکومت نیز زشت ترین رفتارها را با مردم داشتند. حجاج که یکی از کارگزاران خلیفه بود، به هنگام مرگش، در زندان مخوف وی ۵۰ هزار مرد و ۳۰ هزار زن زندانی بسر می بردند. زندان های او سقف نداشت و زندانیان افزون بر شکنجه های رایج، از گرمای تابستان و سرمای زمستان رنج می بردند. به طور طبیعی در چنین فضای تاریکی هر گونه جنبش و حرکت مسلحانه محکوم به شکست است و چون شرایط لازم برای پایداری و اقدام عمیق آماده نبود، سبب خودداری پیشوای چهارم از همکاری با شورشیان مدینه (واقعه حره) شد.

۳۸- نتایج و آثار متفی برداشت صوفیان از نهضت کربلا را تشریح کنید.

استاد مطهری، در نگرانی از برداشت صوفیانه و شخصیز حماسه کربلا و حساسیت واهتمام به برداشت سیاسی می فرماید: یکی از اموری که موجب می گردد داستان کربلا از مسیر خودمنحرف گردد و از حیز استفاده و بهره برداری عامه مردم خارج شود این است که می گویند حرکت سیدالشهداء معلول یک دستور خصوصی و محرمانه به نحو قضیه شخصیه بوده است و دستوری خصوصی در خواب یا بیداری به آن حضرت داده است. چه در این صورت دیگران نمی توانند او را مقتدا و امام خود در عمل قرار دهند و نمی توان برای امام حسین مکتب قائل شوند برخی برای اینکه به خیال خودشان مقام امام حسین(ع) را بالا ببرند می گویند: دستور خصوصی برای مبارزه با شخص یزید و ابن زیاد بود و در این زمینه از خواب و بیداری هزارها جبر می گویند... هر اندازه در این زمینه خیالبافی بیشتر شود، از جن و ملک و بیداری و دستوره های خصوصی ... این نهضت را بی مصرف تر می کند.

۳۹- زمینه های اقدامات اصلاحی عمر بن عبد العزیز را بررسی کنید.

عمر بن عبد العزیز که با وضع پریشان امواج خشم و تنفر شدید از دستگاه خلافت بنی امیه روبرو بود بی درنگ در پی دلجویی از محرومان برآمد و به استانداران حکومت مرکزی نوشت: مردم به فشار و ستم گرفتارند و آیین الهی در میان آنان وارانہ اجرا شده

۴۰- به نظر شما مهمترین مشکل دوران زندگی امام صادق(ع) چیست؟ و چگونه عملکرد امام را ارزیابی می کنید.

در این زمان تاریک و غیر قابل تحمل جامعه اسلامی در آتش اختلاف طبقاتی می سوخت و مردم با مهمترین ویژگی های انسانی یعنی قدرت اندیشیدن یک رهبر غفلت ورزیده بردند و یا دست کم بدان بی اعتماد ماندند، زیرا مهمترین کار خود را درس و بحث و برقراری حوزه درسی و تربیت شاگردانی مبرز قرار داد و در واقع او در مسیری جز مسیر حرکت جامعه راه سپرد و دور از درد و رنج های مردم بظاهر زندگی کرد.

۴۱- وضعیت فرهنگی عصر امام صادق را در چند سطر توضیح دهید.

در دوران امام صادق(ع) که مصادف با ضعف و انقراض دستگاه اموی و انتقال حکومت به بنی عباس بود، زمینه مساعد برای نشر معارف اسلامی فراهم شد. جلسات درس امام صادق(ع) چنان رونقی داشته که بیش از چهار هزار نفر در زمینه های علمی، اعتقادی، اخلاق تفسیر و فقه از آن حضرت بهره می بردند. تمام پیشوایان مذهب اهل سنت بی واسطه یا با واسطه نزد امام شاگردی کرده اند. امام در مناظراتی که با مادیون معروف زمان خود داشته اند به دفاع از اعتقادات اسلامی پرداخته و معارف عقلی و استدلالی گرانبھائی را به یادگار گذاشته است. یکی از این آثار باقیمانده کتابی است به نام « توحید مفضل » که امام صادق در زمینه خداشناسیبه یکی از اصحاب خود به نام مفضل تعلیم داده است. از آن حضرت ده ها هزار حدیث در زمینه های گوناگون بر جای مانده است. تاثیر آموزش های بسیاری از معارف خود را از پیشوای ششم دریافت داشته است.

۴۲- دلیل اصرار دستگاه عباسی بر طبیعی بودن رحلت موسی بن جعفر(ع) چه بوده است؟

امام در کنار اشتغال به تدریس و نقل حدیث ، به ایجاد ارتباط میان خود و رهبران شیعه در نواحی مختلف و سازمان دهی و تقویت بنیه اقتصادی شیعیان پرداخت و با کشف آن زندانی شد. خلیفه هارون روز به روز بر سخت گیری های خود نسبت به امام می افزود. این سخت گیری ها موقع بیعت گرفتن برای فرزندش شدت یافت، زیرا او می دید که با حضور امام ، نمی تواند به مقاصد خود دست یابد از این رو سرانجام امام را دستگیر و سپس او را به بصره واز آنجا به بغداد برده و سال ها از زندانی به زندان دیگر منتقل کردند و چون به هیچ وسیله ای نتوانستند امام را مطیع خود سازند وی را به شهادت رساندند.

۴۳- دلایل عقلی و نقلی لزوم رعایت تقیه از جانب ائمه را بر شمارید؟

یکی از انواع مبارزه ها، مبارزه در حال تقیه است که شخص مبارزه پنهان و در یک حالت استتار به دفاع می پردازد. عدم توفیق کامل در ساماندهی سیاسی - اجتماعی باعث می شد که ائمه تقیه پیشه کنند همچنین برای حفظ و حراست ارزشها و فرهنگ اسلامی و انتقال آن به نسل های بعدی. و فشارهای گسترده سیاسی بر اهل بیت و شیعیان، گویای این حقیقت است که امامان و یارانشان به منظور مصون ماندن از گزند حکام ناگزیر بودند به طور کامل تقیه کنند و از کمترین بی احتیاطی بپرهیزند.

۴۴- آیا قبول ولایت عهدی نوعی سازش با حکومت مامون است؟ چرا؟

خیر. زیرا این امر با چهره کریه زور و برق شمشیر بر آن حضرت تحمیل شد. زیرا امام مقاومت تا شهادت را در این موقعیت وظیفه و رسالت خود می دانست و قبل و بعد از این جریان ، امام پیوسته عدم علاقه خود را به این کار نشان داد تا آنجا که وجود آن حضرت به اجباری بودن آن تصریح کرد. امام رضا برای خنثی ساختن سیاست مامون در بهره گیری از ولایت عهدی او فرمود: خدا می داند من از قبول این کراهت داشتم، ولی در وضعی قرار گرفتم که باید میان قتل و ولایت عهدی یکی را برگزینم، ناگزیر دومی را ترجیح دادم.

۴۵- اهداف امام رضا(ع) از قبول ولایت عهدی را تشریح کنید.

طبق اسناد تاریخی، کشته شدن امین که به خاطر یک پیروزی نظامی برای مامون به شمار می رفت، در واقع برای وی نتایج منفی در پی داشت ، زیرا با واکنش منفی روبرو شد. علویان نیز با مامون و به طور کلی با خلفای عباسی مخالف بودند و آنان را مسئول شکنجه، آزار، تبعید و مصایب علویان می دانستند و معتقد بودند فرزندان معصوم فاطمه برای تصدی حکومت از عباسیان بسیار سزاوارترند. بعضی از اعراب نیز از مامون ناخشنود بودند، زیرا مادر ، مربی و متصدی امور وی همه غیر عرب بودند. افزون بر این رفتار ناپسند نیاکانش تاثیر منفی بر آن گذارده بود. بنا بر این قبول ولایت عهدی امام را به قدرت سیاسی و رهبری رسمی جامعه نزدیک می کرد می توانست به دفاع از عقیده و فرهنگ جامعه اسلامی بر خاسته و با رهبری حکیمانه، جریان های حکیمانه ، جریان های فکری جامعه را از خطر التقاط و انحراف آگاه سازد. و در زمان حضرت علی (ع) که امامان شیعه یکی پس از دیگری از صحنه و خلافت کنار زده شدند و روز به روز فشار های وارده بر شیعیان و سادات علوی شدت یافته بود و عرصه بر آنان تنگ شده بود. لیک فرصتی پیش آمده بود تا مقداری از فشاری که در گذشته بر شیعه در درمن زندان ها و شهادت گاهها وارد می شد کاسته شود و گشایشی نسبی در امور شیعیان پدید آید.

۴۶- اهمیت فعالیت های سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی امام هادی (ع) را بنویسید.

بخشی از مهمترین فعالیت های سیاسی امام هادی (ع) عبارتند از: (۱) طرح مسأله امامت و بحث درباره آن به عنوان رهبری فکری، فرهنگی و سیاسی (۲) نا مشروع شمردن حکومت عباسیان و مبارزه در این جهت (۳) رهبری مومنان و پشتیبانی از پایگاههای مردمی (۴) تلاش در حفظ شیعیان و حمایت از آنان و بازداشتن افراد از گناه (۵) فراهم کردن زمینه غیبت حضرت مهدی (عج)

و شماری از فعالیت های سیاسی فرهنگی امام هادی در این عصر عبارتند از: (۱) سخنان و نوشته هایی در مسیر اثبات حق و پاسخ به شبهات موجود در جامعه (۲) شرکت در مناظره و پاسخ به پرسش های مطرح شده از سوی خلیفه و اعمال وی (۳) حل مشکلات علمی و فقهی جامعه (۴) تربیت بزرگانی چون ایوب بن نوح عبد العظیم حسنی و عثمان بن سعید.

۴۷- در چند سطر، فلسفه غیبت امام مهدی (عج) را به نظر خودتان بیان کنید.

بر اساس روایات و اخبار متواتر، خاندان عباسی و پیروان آنان می دانستند مهدی موعود (عج) که همه حکومت های خودکامه را از میان می برد، از نسل امام عسگری (ع) است، بدین سبب پیوسته مراقب حضرت بودند تا فرزندش را به جنگ آورند و نابود سازند.

با توجه به اوضاع آن زمان، تردیدی نبود که اگر امام در ملاء عام ظاهر می شد، مانند پدر بزرگوارش که در سنین جوانی به شهادت رسید سرنوشتی جز شهادت نمی داشت از این رو به مشیت الهی، از دیده ها غایب شد و بدین ترتیب، دوران «غیبت صغری» آغاز گردید و مدت ۶۹ سال به طول انجامید. در این مدت، امام توسط چهار نماینده خود که به «نواب اربعه» معروفند با مردم به طور غیر مستقیم تماس داشتند. از آنجا که غیبت امام دوازدهم برای مردم نا مانوس بود، از این رو پیامبر اسلام (ص) و بعضی از امامان که نزدیک به زمان غیبت بودند، بتدریج مردم را با این موضوع آشنا ساختند. امام مهدی (عج) در پیامی به آخرین نماینده خود به آغاز غیبت کبری اشاره می کند و می فرماید: تو تا شش روز دیگر رحلت خواهی کرد. کارهایت را مرتب کن و هیچکس را جانشین خود مساز. اکنون دوره غیبت کامل فرا رسیده است و من جز با اجازه خداوند متعال ظهور نخواهم کرد. ظهور من بعد از گذشت مدتی طولانی و قساوت دلها و پر شدن زمین از ستم و بیداد خواهد بود.